

معرفی تحلیلی

پنج کوتاه نوشت منطقی منتشر نشده
منسوب به ابن سینازینب برخوردار^۱

مقدمه

فهم منظومه معرفتی منطق سینوی در گرو استقصا، بررسی و مقایسه تمام آثار منطقی وی است. ابن سینا جایگاه تاریخی مؤثر و مهمی در رشد منطق دوره اسلامی دارد و منطق دانان پس از وی غالباً از آثارش متأثر بوده‌اند. شیخ الرئیس علاوه بر تحول ساختاری و دغدغه سامانبخشی جدید به مباحث منطقی، نوآوری‌های فراوانی در این زمینه داشته است. وی با وجود این که منطق ارسطویی را کامل می‌داند و معتقد است تا آن زمان چیزی بر آن افزوده نشده^۲، خود منشأ تحول در این منطق بوده است.

از میان آثار منطقی ابن سینا غالباً دو اثر اشارات و شفا مورد توجه، تحلیل و شرح قرار گرفته‌اند و ارجاع به آرای منطقی شیخ الرئیس غالباً به این دو اثر و احیاناً منطق نجات است. بدیهی است که برای دانستن دقیق نظرات و فهم مراد شیخ و بررسی سیر تحول منطق وی، از مطالعه نظام مندی در راستای بازشناسی اعتبار، بررسی ترتب تاریخی و صحت انتساب کلیه آثار منطقی بوعلی گریزی نیست. چه بسا رساله‌های کوتاهی گره‌گشای فهم مسائل مبهم اشارات و شفا باشد. با این وجود آثار منطقی متعددی از ابن سینا تاکنون به صورت دست‌نویس و ناشناخته باقی مانده است.

حصر توجه به آثار چاپ شده ابن سینا^۳ موجب تحویلی نگری در شناخت میراث منطقی و جایگاه بوعلی در تاریخ منطق و دریافتی ناقص است.

دستیابی به مجموعه نظرات منطقی ابن سینا مستلزم شناخت همه آثار وی است^۴ و گام پیشین شناخت آثار منطقی، شناسایی نسخه‌های مربوط به این آثار است. از این رو است که تا کنون عده‌ای به گزارش آثار بر جای مانده از ابن سینا همت گماشته‌اند.

ابن سینا آثار فراوان و متنوعی در دانش منطق دارد: آثار مفصل، آثار متوسط و کوتاه‌نوشت، آثاری شامل دانش‌های عمده از جمله منطق و آثاری مستقل در منطق، همچنین



آثاری به زبان فارسی یا عربی. آثار منطقی ابن سینا اعم از جوامع و تک‌نگاریها، فارسی‌ها و عربی‌ها، مختصر و مطول بالغ بر بیست اثر است که برخی از آنها به چاپ رسیده و برخی به صورت دست‌نویس موجود است. در این مقاله معرفی حاصل از تصحیح و تحلیل پنج اثر منطقی شیخ الرئيس ارائه خواهد شد.^۵

۱. معرفی رساله المنطق الموجز

رساله المنطق الموجز که به نام الموجز فی المنطق نیز خوانده شده است،^۶ از جمله آثار منطقی است که آن را به ابن سینا منسوب دانسته‌اند.^۷ ولی در کتاب‌شناسی جامع ابن سینا در انتساب این اثر به شیخ الرئيس تردید شده‌است و در فهرست رشر نامی از آن به میان نیامده است.

ساختار المنطق الموجز

رساله مذکور در قالب سه مقاله تدوین شده است. مقاله اول در مقدمات منطق است که دو گونه مقدمه را شامل می‌شود: مقدمه اول کلیات خمس و مقولات و مقدمه دوم تحلیل قضایا. مقاله دوم در بیان غرض مطلوب علم منطق، یعنی بحث از قیاس و مقاله سوم در اتمام منطق که شامل بحث اجمالی از صناعات خمس و بحث از حد می‌شود، نگارش یافته است.

وی در این رساله مانند القصیده المزدوجة^۸ بحث از حد را به طور مستقل و در پایان منطق می‌آورد. استقلال بخشیدن به مباحث حد، به معنای توجه به یکی از دو بخش منطق یعنی منطق تعریف است، اما هنوز ساختار اشارات در این اثر دیده نمی‌شود (بحث از حد قبل از حجت و مقدمات آن مطرح نشده است). لحاظ قضایا به عنوان مقدمه منطق، توجه به بخش منطق حجت را می‌رساند.

در این رساله نیز لفظ مفرد به عنوان مقسم کلیات پنجگانه و مقولات دهگانه اخذ شده است. ساختار رساله بیانگر آن است که این اثر پس از شفا و نجات و قبل از اشارات تألیف شده است.

ویژگی‌های المنطق الموجز

چنانچه گذشت بنا به رای برخی از فهرست‌نگاران انتساب این اثر به شیخ الرئيس مورد تردید است.

پس از تحلیل و بررسی‌های انجام شده و مقایسه این اثر با سایر آثار شیخ الرئيس به ویژه آثاری چون شفا و اشارات شواهدی مؤید عدم انتساب رساله به ابن سینا به دست آمد که به آن اشاره می‌شود:

۱. در رساله المنطق الموجز مقسم تمامی مسائل منطقی «الفاظ» دانسته شده‌است.

۲. در این رساله بیان خاصی برای تمایز جنس و فصل و نوع آورده شده‌است. ابن سینا کلی ذاتی را به اعم (جنس) و اخص (نوع) و فاصل اعم از اخص (فصل) تقسیم می‌کند.

این که کلی ذاتی در مقایسه با چه چیز اعم است، در این اثر نیامده، ولی در برخی آثار دیگر شیخ الرئيس تقسیم بندی واضح‌تر و مشابهی به این صورت دیده می‌شود:

اما الذی وقوعه اعم کما یقال جوهر او جسم

فانه اعم من ذی النفس و هو الذی تعرفه بالجنس^۹

و در اثر دیگر چنین آمده است: «و النعوت منها ذاتیة و هی اعم من الشیء و هو جنسه و اعم ما یمیزه عن شرکائه فی الاعم و هو فصل»^{۱۰} اما در سایر آثار مقول در جواب «ما هو؟» و مقول در جواب «ای؟» و تمایزاتی دیگر، تعریف جنس و فصل را تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال در عیون الحکمة، نوع «اخص کلین مقولین فی جواب ما هو؟»^{۱۱} و در الهدایة «اخص مقولین فی جواب ما هو؟»^{۱۲} دانسته شده‌است. در تعریف خاصه و عرض عام تفاوت چندانی با سایر آثار دیده نمی‌شود.

۳. تعریف ارائه شده از حد در این اثر با سایر آثار تفاوت دارد و قابل انتقاد و تصحیح است.

۴. تعبیر «محتملة الصدق و الکذب» که در بحث قضیه به آن اشاره شده‌است، از اصطلاحاتی است که در قرن هفتم رواج می‌یابد. هر چند در اثر الموجز فی اصول المنطق^{۱۳} نیز دیده می‌شود.



ابن سینا

در غالب آثار خود،

نامی از شکل چهارم نمی‌برد،

اما در این‌جا،

در خصوص شکل چهارم

موضع دارد. وی

اعتبار شکل چهارم را

ناشی از گمان ناصواب و

عدم توجه به

شرایط قیاس و

عدم شناخت اقتران

می‌داند.

اما در صورتی که رساله را از آثار ابن‌سینا بدانیم، از آثار متقدم ابن‌سینا شمرده می‌شود. به‌کاربردن لفظ «واقع» در تعریف کلی، تعریف قضیه، تعریف شرطیه و آوردن مقولات عشر در رساله‌ای که به قول مؤلف آن مختصر و موجز است، از شواهدی است که متقدم بودن اثر را تأیید می‌کند.

اما عباراتی در ابتدای این رساله آمده‌است که حاکی از متأخر بودن آن است. عباراتی که مؤلف در آن اشاره به آثار دیگر منطقی خود اعم از جوامع و تک‌نگاری‌ها دارد، نشان از کتابت رساله پس از آثار دیگری است! از مختصات اثر، آوردن مبنای منطق دو بخشی در آغاز مقاله دوم و عدم سامان‌دادن رساله بر این مبنا است. همچنین معنای «شبه یقین» اعم از ظن محمود و جدلی و تصدیق مغالطی لحاظ شده‌است. مفهومی که فخر رازی و خواجه طوسی بر سر آن نزاع دارند^{۱۴}. در مواردی بر طبق تمامی دست‌نویس‌ها کلماتی کلیدی اشتباه و خطا درج شده‌اند، مانند کلمه بویطیقا که دیالیتی آمده است! و یا حذف کلماتی که معنی جمله را به متناقض آن تغییر می‌دهند. این گونه خطاها حتی در نام‌گذاری رساله نیز دیده می‌شود. اسم رساله منطق الموجز درج شده که باید المنطق الموجز باشد.

۲. معرفی رساله المهجة

المهجة از آثار منطقی ابن‌سینا است که به نام‌های المهجة فی المنطق^{۱۵} و کتاب المهجة نیز خوانده شده‌است. ساختار المهجة

این رساله مباحث مختلفی در منطق را شامل می‌شود که از نظر ساختار نگارش به سبک نه بخشی تعلق دارد. اگرچه تقسیم علم به تصور و تصدیق و دوگانگی راه وصول به آنها در این رساله آمده‌است، اما بحث حد و تعریف استقلال نیافته‌اند. در این رساله در ضمن بحث از رؤوس ثمانیه از حد و رسم بحث شده است، اما مباحث اصلی رساله در نه بخش و غالباً با اصطلاحات یونانی سامان می‌یابد. پنج بخش مربوط به صناعات در یک گفتار گنجانده شده‌است.

ویژگی‌های المهجة

چنانچه گذشت انتساب رساله المهجة به شیخ الرئيس قطعی نیست. در تحلیل متن اثر و مقایسه تطبیقی آن با سایر آثار مسلم الانتساب شیخ الرئيس شواهدی مؤید این تردید به دست آمد که به آنها اشاره می‌شود:

۱. در رساله المهجة مانند المنطق الموجز مقسم مسائل منطقی «الفاظ» است. این مطلب تنها در همین دو اثر دیده می‌شود و در آثار دیگر ابن‌سینا نمونه ندارد.
۲. تعریف ابن‌سینا در این رساله از مقدمات یقینی تا حد زیادی با سایر آثارش متفاوت است. وی اولی را به آنچه مبدأش عقل نظری است، تعریف می‌کند. «در حکم اولی» آن است که مبدأش عقل عملی است (بدیهی عقل عملی) و مبدأ حسی حس (اعم از ظاهری و باطنی) است و هم تابع حس است و حکم آن در امور عقلی مقبول نیست. بوعلی در اینجا حس را به ظاهری و باطنی تقسیم می‌کند و در حواس ظاهر پنج حس را بر می‌شمرد، اما در حواس باطنی به ترتیب قوه مشترکه، متخیله متفکره و حافظه و ذاکره را می‌آورد.
۳. برهان را به مبرهن، مبرهن علیه، مبرهن فیه، مبرهن منه و مبرهن له تقسیم می‌کند. این اصطلاحات در هیچ یک از آثار منطقی ابن‌سینا دیده نمی‌شوند. در این قالب از مسائل، مبادی، ارتباط علوم و سایر مسائل برهان بحث می‌کند.
۴. تعریف ارائه شده از برهان مجمل و غیر متعارف است.
۵. در تعریف عکس قضیه به جابه‌جایی موضوع و محمول بسنده شده‌است و فاقد الفاظی دال بر بقا یا عدم بقای صدق و کذب می‌باشد. تعریف ارائه‌شده در این مقام با تمامی آثار ابن‌سینا متفاوت است.
۶. تعریف استقرا با سایر آثار تفاوت دارد.
۷. تعریف ارائه‌شده از قیاس ضمیر در بر گیرنده قیاس مضمیر نیز هست.
۸. تقسیم امکان به اقلی و اکثری در سایر آثار به چشم نمی‌خورد.

اثر منطقی مفاتیح الخزان

از رساله‌هایی است که

فهرست‌نگاران انتساب

آن به ابن‌سینا را

محتمل دانسته‌اند.

تحلیل محتوایی و مقایسه

تطبیقی متون منطقی

شیخ الرئيس تفاوت‌ها و

نوآوری‌هایی را

در این رساله

نسبت به آثار منطقی

شیخ الرئيس

تأیید می‌کند.



۹. عدمیه، مترادف با معدوله به کار رفته‌است.

۱۰. آوردن صناعات خمس در کتابی مستقل در قرن هفتم رواج یافته‌است.

علاوه بر موارد فوق چنین مباحث این اثر به شیوه رایج در آثار ابن سینا و حتی ارسطو نیست. در این اثر قاطیغوریاس در سه فصل الفاظ، مقولات دهگانه، و تقدم، تأخر، تقابل، سامان‌دهی شده‌است. همچنین مبحث مقولات با بحث الفاظ آغاز می‌شود!

در این رساله ابن سینا بحث حصر عقلی کلیات خمس را مطرح می‌کند. تبیین مطلب چنین است که هر کلی از نظر عموم و خصوص یا جوهری است و یا عرضی. اگر جوهری باشد یا بسیط است و یا مرکب. مرکب همان نوع است که از جنس و فصل بدست می‌آید و بسیط یا در جواب «ما هو؟» است که جنس است و یا در جواب «ای شیء هو» که همان فصل است. عرضی یا خاص است که همان خاصه شیء است و یا عام که همان عرض عام خواهد شد. وجه تقسیم کلیات خمس در اینجا حاضر نیست.

اصطلاح جوهری به معنای ذاتی است و موجب اشتباه با جوهر می‌شود چنانچه اصطلاح عرضی ممکن است با عرض در برابر جوهر اشتباه شود. عدد بودن برای چهار جوهری است، اما چهار و عدد هر دو عرضند و نه جوهر. جوهری در اینجا باید به معنای «ذاتی» لحاظ شود.

عبارت «من حیث العموم و الخصوص» وجه مناسبی برای تقسیم کلی به جوهری و عرضی نیست. لذا این بیان محل نقد است. انتقادی دیگر، حاضر نبودن تقسیم‌بندی است، که مفاهیم غیر محصل مانند «لا انسان» را در بر نمی‌گیرد.

از دیگر مشخصات محتوایی اثر می‌توان به مبحث تصور و تصدیق که مبنای منطق دو بخشی است، اشاره کرد. هر علمی یا تصور است یا تصدیق. اگر چه گفته‌اند این مبنا در آثار یونانیان بوده، اما طرح مدون آن را در آثار فارابی می‌بینیم.^{۱۶} ابن سینا بر این مبنا برآمدن تصور از تصور و تصدیق از تصدیق را می‌افزاید و به دوگانگی در فکر می‌رسد. فکری که موصل تصور است مانند حد و امثال حد (رسم)

و فکری که موصل تصدیق است و آن قیاس است و آنچه مانند قیاس است (استقرا). نامی از تمثیل و اشاره‌ای به تقسیم آن به بدیهی و نظری (شاید به جهت اختصار) نیامده‌است. وی نتیجه می‌گیرد که منطق قوانین حد و قوانین قیاس را به دست می‌دهد و این صریح‌ترین سخن در دوحشی بودن منطق است که متاخران آن را با مفهوم عام‌تر و به صورت معرف و حجت بیان کرده‌اند و آن دو را موضوع علم منطق دانسته‌اند. اما پس از چند سطری فهرست مباحث رساله را به شیوه نه بخشی بیان می‌شود.

۳. معرفی رساله مفاتیح الخزان

رساله مفاتیح الخزان که با نام مفاتیح الخزان فی المنطق نیز خوانده شده‌است، از آثار منطقی‌ای است که در برخی فهرست نگاری‌ها به شیخ رئیس نسبت داده شده‌است^{۱۷} در برخی از فهرس نیز نامی از آن دیده نمی‌شود.^{۱۸}

ساختار مفاتیح الخزان

رساله مفاتیح الخزان نسبت به دیگر رساله‌های شیخ رئیس در منطق، وضعیت خاصی دارد. نخست آن که رساله مانند بسیاری از آثار منطقی بوعلی با مباحث دلالت‌شناسی و مبحث الفاظ آغاز می‌شود، ولی برخلاف برخی از آثار منطقی، فاقد بحث از تعریف منطق و سایر رئوس ثمانیه است. مبحث الفاظ در غالب آثار ابن سینا جزء مباحث آغازین رساله بوده و پس از تعریف منطق آمده‌است^{۱۹} و گاهی نیز پس از مباحث مربوط به تصور و تصدیق جای گرفته‌است.^{۲۰}

مبحث دوم بحث از ایساغوجی است و پس از آن، به سبک شفا و دیگر آثار نه بخشی به مقولات می‌پردازد، ولی بحث از حد به سبک اشارات و دیگر آثار دوحشی قبل از قضایا طرح می‌شود. تقدم مواد اقیسه بر قیاس در کم‌تر کتابی دیده می‌شود. بحث از قیاس موجهات را قبل از قیاس شرطی، و بحث از مختلطات مرکب از مطلقه و موجهه



رساله مفاتیح الخزان

نسبت به دیگر رساله‌های

شیخ رئیس در منطق،

وضعیت خاصی دارد.

نخست آن که رساله مانند

بسیاری از آثار منطقی

بوعلی با مباحث دلالت‌شناسی

و مبحث الفاظ آغاز می‌شود،

ولی برخلاف برخی از

آثار منطقی، فاقد بحث

از تعریف منطق و

سایر رئوس ثمانیه

است.

را پس از قیاس شرطی می‌آورد، ترتیبی که در دیگر آثار به چشم نمی‌خورد. آخرین مبحث به صورت بسیار مختصر از قیاسهای برهانی، جدلی، خطابی و سوفسطایی سخن می‌گوید. این رساله در هشت بخش، که هر بخش عنوان "مرتب" دارد، سامان یافته‌است. در مجموع به نظر می‌رسد این اثر ترکیبی از دو نظام منطقی نگاری دو بخشی و نه بخشی است. عبارت‌های رساله، بسیار روان و آسان‌یاب بوده و بیشتر مباحث با آرای ابن سینا توافق دارد. در صورتی که این اثر را از آن ابن سینا بدانیم (و نه تقریر کسی از آرای وی) متعلق به مرحله عبور از شفا به اشارات است.

ویژگی‌های مفاتیح الخزائن

اثر منطقی مفاتیح الخزائن از رساله‌هایی است که فهرست‌نگاران انتساب آن به ابن سینا را محتمل دانسته‌اند. تحلیل محتوایی و مقایسه تطبیقی متون منطقی شیخ الرئیس تفاوت‌ها و نوآوری‌هایی را در این رساله نسبت به آثار منطقی شیخ الرئیس تأیید می‌کند. این اثر شباهت بسیاری به اشارات ابن سینا داشته و در صورت انتساب به وی از آثاری است که در اواخر عمر نگاشته‌است. رساله مفاتیح الخزائن در موارد زیر با اشارات شباهت دارد:

۱. در تعریف قضیه که در کتب متأخران در منطق دو بخشی تا قرن هفتم مورد تقلید است.^{۲۱}
۲. در ارائه تعریف کلی از تعاریف پیشین عدول شده و به تعریف اشارات نزدیک می‌شود.
۳. در بحث از شرط ایجاب یکی از دو مقدمه، به نکته‌ای که در اشارات نیز آن را یادآور شده^{۲۲}، اشاره می‌کند. دو مقدمه نمی‌توانند سالبه باشند، مگر آن که سلب در حکم ایجاب باشد. مراد وی وجودیه لادائمه و ممکنه خاصه است که سالبشان در حکم ایجاب است.
۴. در ضمن مثال برای عرضی، به بحث «الوجود عارض المهیة» با ذکر یک دلیل اشاره می‌کند. این شیوه در اشارات دیده می‌شود.^{۲۳}

در چینش مباحث رساله، تحت عنوان اقسام لفظ، به ظاهر پریشانی از حیث ترتیب مباحث وجود دارد. ابتدا مفرد و مرکب بیان و مفرد تعریف می‌شود و با اشاره به سه قسم مفرد، بحث پدامنهای از اسم و اقسام آن به میان می‌آید. بحث از کلی و جزئی و ایساغوجی و محمول به تفصیل مطرح و آن گاه مقولات عشر بیان می‌شود، سپس به بحث از کلمه و ادات و اقسام لفظ مرکب و بیان حد و اقسام قضیه می‌پردازد. اما در ورای این پریشانی ظاهری عبور از شفا به اشارات طرح ریزی شده‌است. وی لفظ را به مفرد و مرکب تقسیم می‌کند. بحث از مرکب، مباحث حد و قضیه و قیاس را تشکیل می‌دهند که پس از بحث از مفرد می‌آیند. مباحث مربوط به مفرد هم شامل سه قسم اسم، کلمه و ادات می‌شوند. بنابراین ابتدا مباحث مربوط به اسم را می‌آورد. موضوع شدن، محمول شدن، کلیت، جزئیت، ایساغوجی و مقولات نیز از مباحث اسم هستند. مقولات چون جنس الاجناس هستند، بعد از ایساغوجی مطرح می‌شود. در این راستا بعد از بحث از اسم و احکام آن به کلمه و ادات اشاره شده‌است.

اشاره به این مهم که مفهوم جزئی محمول واقع نمی‌شود از دقت‌های رساله است. در اثر مذکور مقسم کلیات خمس محمول در نسبت با موضوع قرار گرفته‌است که نشان‌دهنده دقت و پیشرفت رساله نسبت به آثار دیگر است. هم‌چنین شیوه جدیدی در تقسیم محمول ذاتی به جنس، فصل و نوع ارائه شده است.

در تقسیمات قول یا لفظ مرکب همان‌گونه که در متن تصریح شده، بیان دو گونه لفظ مرکب (قول) مد نظر است: حد یا قول شارح و قول جازم. در مباحث آتی بیان می‌شود که قول جازم خود می‌تواند مرکب از اقوال جازم باشد. این ترکیب دو گونه است: شرطی و استثنائی. بر این اساس تمایز حد و قول جازم، مقایسه و وجوه تفاوت و تشابه آنها را بیان می‌کند. چنین بحثی در بیشتر آثار منطقی مورد توجه جدی قرار نگرفته‌است.

قیاس به اجتماع دو قضیه برای انتاج قضیه‌ای دیگر تعریف شده‌است. این بیان تعریف به اعم است و شامل استقرا و تمثیل نیز می‌شود. قیود مخرجه که در برخی از رسائل آمده، طرح نمی‌شود. اشکال سه گانه را بر می‌شمرد و به انحصار آن تصریح می‌کند. ابن سینا در غالب آثار خود، نامی از شکل چهارم نمی‌برد، اما در این جا، در خصوص شکل چهارم موضع دارد. وی اعتبار شکل چهارم را ناشی از گمان ناصواب و عدم توجه به شرایط قیاس و عدم شناخت اقتران می‌داند. تقریر انتقاد وی این‌گونه است: چنین نیست

در رساله

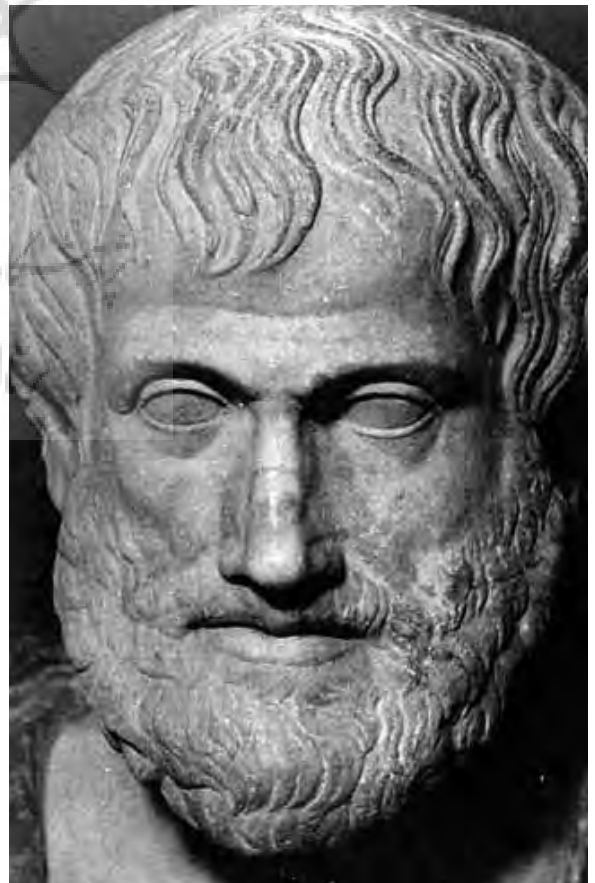
المنطق الموجز مقسم

تمامی مسائل منطقی «الفاظ»

دانسته شده

است.

ارسطو



منطقی ابن‌سینا عنوان کتاب التعلیقات به چشم می‌خورد^{۲۸} که چون هیچ مشخصات دیگری از این اثر ارائه نشده، بعید نیست که منظور وی همین رساله باشد. گاهی تعلیقه‌ای از این مجموعه تعلیقات، به صورت مستقل در انتهای آثار دیگر شیخ رئیس دیده می‌شود^{۲۹}.

ساختار تعلیق فی المنطق

در دست‌نویس‌های اثر جای مباحث یکسان نیست و همه دست‌نویس‌ها در چینش مباحث مشترک نیستند، لذا ساختار آن منسجم و شبیه سایر آثار شیخ رئیس نیست و موضوعات مختلف، بدون ترتیب منطقی، در آن پشت سر هم آورده شده‌اند. این اثر مجموعه یادداشت‌هایی است که شاید شیخ رئیس در مواضع گوناگون نگاشته‌است، بنابراین با وجود آن که بحث مقولات در آن مطرح شده، نمی‌توان آن را نه بخشی دانست. فهرست ارائه شده در ابتدای این اثر به ترتیب اکثر دست‌نویس‌ها تنظیم شده است.

ویژگی‌های تعلیق فی المنطق

مجموعه تعلیقات منطقی ابن‌سینا که با نام تعلیق فی المنطق گرد آوری شده‌است، از آثار مسلم‌الانتساب به شیخ رئیس است. در تحلیل و مقایسه تطبیقی نیز مطالبی مخالف این مدعا به دست نیامد. اما در تعلیقه‌ای کوتاه بیان این مطلب آمده که از نظر ارسطو قضیه مهمله به جزئی نزدیک‌تر است. فارابی نیز گزارش می‌دهد که نزد جمهور و در نظر نخست مهمله چون کلیه تلقی می‌شود،^{۳۰} اما از نظر افلاطون به قضیه کلیه نزدیک‌تر است. این سخن ابن‌سینا مجمل است و در آثار افلاطون شاهدهی بر آن نیافتیم.

از دیگر مسائل قابل انتقاد در بحث کلیات خمس است. در این تعلیقات مقول در جواب «ای» به عنوان جنس در تعریف عرض عام، خاصه و فصل آمده‌است. پاسخ سؤال «ای» در صورتی که در جواب سؤال از کثیرهای مختلف الحقایق قرار گیرد، عرض عام و در صورتی که کثیرهای مختلف بالشخص مورد سؤال باشند، خاصه است. علت این که شیخ رئیس به جای متفق الحقایق، مختلف بالشخص می‌آورد، آن است که در تعریف خاصه نوع را اخذ نکند. وی در تعریف نوع نیز به جای متفق الحقایق، به مختلف به عدد تعبیر نمود، ولی در پایان این تعلیقه می‌گوید: «الفصل یقال علی انواع کثیرة و الخاصة علی نوع واحد.» ظاهر این عبارت، که در تمام نسخ هم تکرار شده است، خالی از اشکال نیست؛ زیرا «یقال علی شیء» در اصطلاح منطقی به معنای حمل بر امری است، فصل بر انواع کثیره قابل حمل نبوده، بلکه بر نوع واحد حمل می‌گردد. مراد ابن‌سینا از این عبارت، مقایسه نوع و خاصه است. این دو، در جواب «ای شیء؟» واقع می‌شوند، با این تفاوت که فصل در پاسخ سؤال از کدامین می‌آید، اگر سؤال متعلق به انواع کثیره باشد مانند: «ای حیوان ناطق؟»؛ در حالی که خاصه در پاسخ سؤال از کدامین می‌آید، اگر سؤال متعلق به نوع واحد باشد مانند: «ای انسان ضاحک؟». وی در رساله‌ای دیگر نیز چنین می‌آورد: «و اما الفصل فهو المقول علی کثیرین مختلفین بالذات فی جواب ای شیء هو؟». در برخی دیگر آثارش، تفاوت فصل و خاصه را نه در متعلق سؤال «ای شیء؟» بلکه در ذاتی و عرضی بودن کلی می‌داند که در پاسخ «ای شیء؟» می‌آید.^{۳۱} در رساله مختصر الاوسط، تعبیری شبیه به تعلیق فی المنطق آمده‌است و برای رفع اشکال یاد شده قید «ای علی واحد واحد منها» را می‌آورد: «الفصل هو المقول علی الانواع بالذات، ای علی واحد واحد منها فی جواب ای ما هو؟»^{۳۲}.

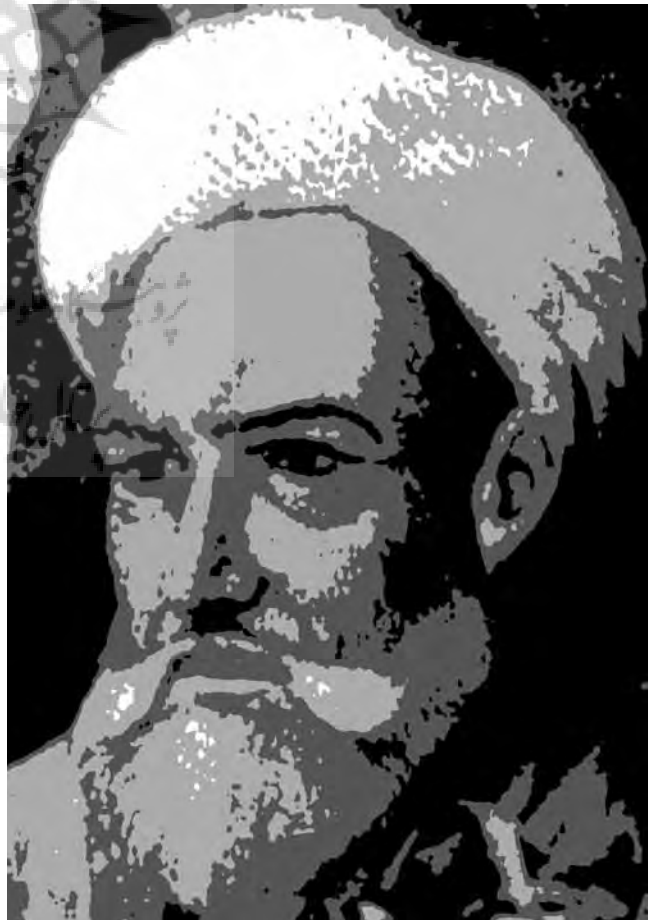
بررسی تطبیقی آثار بوعلی در این مقام نشان می‌دهد که وی به طور مستمر در مفهوم‌سازی از فصل، نقد و بازسازی تعریف آن بوده‌است.

۵. معرفی فی ضبط انواع القضایا

فی ضبط انواع القضایا اثر منظوم کوتاهی است که به نام‌های انواع القضایا و القضایا فی المنطق نیز خوانده شده‌است.^{۳۳} این رساله شامل هفت بیت در توضیح

فارابی نیز
گزارش می‌دهد که
نزد جمهور و
در نظر نخست مهمله
چون کلیه تلقی می‌شود،
اما از نظر افلاطون
به قضیه کلیه
نزدیک‌تر است.

فارابی



انواع قضایا از حیث اطلاق و جهت است.. شواهد به دست آمده عدم انتساب این اثر به ابن سینا را تقویت می‌کند که در ادامه ارائه خواهد شد.

محتوای رساله

رساله فی ضبط انواع القضا یا پانزده قسم از موجهات را برمی‌شمرد:

۱. ممکنه عامه: مراد از ممکنه عامه قضیه‌ای است که در آن به سلب ضرورت طرف مقابل حکم شده باشد. شیخ الرئیس در اشارات عبارت را این گونه بیان می‌کند که مراد از امکان ملازم بودن قضیه با سلب ضرورت عدم است^{۳۴}.
۲. ممکنه خاصه: قضیه‌ای است که در آن به سلب ضرورت از هر دو طرف (طرف موافق نسبت و طرف مقابل آن) حکم شده است. ابن سینا در اشارات امکان، خاص را به معنای آنچه ملازم سلب ضرورت در وجود و عدم است تفسیر می‌کند^{۳۵}.
۳. ممکنه اخص: قضیه‌ای است که در آن به سلب ضرورت از هر دو طرف (طرف موافق نسبت و طرف مقابل آن) حکم شده است، به گونه‌ای که حتی ضرورت وقتی و وصفی نیز از آن سلب شود. این نوع قضیه ممکنه در برابر ضرورت وصفی (مشروطه) و ضرورت وقتی و منتشره قرار دارد (بر خلاف امکان خاص که صرفاً سلب ضرورت ذاتی است).
۴. ممکنه استقبالیه: قضیه‌ای است که در آن به سلب ضرورت طرفین در هر زمانی، در آینده حکم شود. در ابیات مورد بحث به ضرورت شعری مطلب به گونه‌ای بیان شده است که ممکن است تصور شود ممکنه استقبالیه همان ممکن اخص است. شیخ الرئیس در اشارات چهار معنا از امکان را به معنایی که گذشت بیان می‌کند و اطلاق لفظ امکان در این چهار معنا را از باب اشتراک لفظ می‌داند. از نظر وی امکان در ابتدا برای امکان عام وضع شده است و سپس توسط اهل صناعت به معنای دیگر منتقل شده است.
۵. ضروریه ذاتیه: قضیه‌ای است که نسبت در آن ضرورت دارد و ضرورت آن مادام ذات موضوع موجود است، بدون شرطی دیگر. «الف ب است بالضرورة الذاتیه» ضرورت ذاتی الف برای ب را می‌رساند.
۶. مشروطه عامه: قضیه‌ای است که نسبت در آن ضرورت دارد و این ضرورت به شرط وصف عنوانی موضوع است. ضرورت وصفی از آن حیث که مشروط به وصف است مشروطه نامیده می‌شود و از آن حیث که نسبت به ضرورت ذاتی لا بشرط است عامه نام دارد.
۷. مشروطه خاصه: قضیه‌ای است که نسبت در آن ضرورت دارد و این ضرورت به شرط وصف عنوانی موضوع است، اما ضرورت ذاتی در آن سلب شده است و به دلیل این که به شرط لا از ضرورت ذاتی است مشروطه خاصه نامیده شده است. مشروطه خاصه در واقع قضیه موجهه‌ای مرکب از ضرورت وصفی و عدم ضرورت ذاتی است.
۸. ضروریه وقتی: قضیه‌ای است که نسبت در آن در وقت معین ضرورت دارد.
۹. ضروریه منتشره: قضیه‌ای است که نسبت در آن در وقت نا معین (زمانی از زمان‌ها) ضرورت دارد.
۱۰. مطلقه یا فعلیه: قضیه‌ای است که بیان می‌کند نسبت در زمانی تحقق دارد و نسبت به ضرورت و دوام لا بشرط است.
۱۱. دائمه ذاتیه: قضیه‌ای است که بیان می‌کند نسبت دوام دارد و طرف مقابل آن در هیچ زمانی تحقق ندارد.
۱۲. عرفیه عامه: قضیه دائمه است به شرط وصف که نسبت به دوام ذاتی لا بشرط است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بعد حمد الله تعالی علی ذمہ المتاوره و الرجعه الیه از یوم لحداده فی الزیاء و الشحار
 فی الصوره و الصلوه علی البیتة اولی الزوات الکره الطاهره و علی من اصطنعوا فی انبیاء
 و اولیاءه المودن المجرات الباهره و الکلمات الطاهره خصوصاً علی محمد و اله
 کان الحضر المشهور بالوفاة الامام العلامة شهاب الدین الشهروردی قد تر الله روحه
 و نور صریحه مشتملاً فی الحقا علی الحلیه علی اسناها و ارفعها و من لرفیق الحلیه علی اولیها
 و انفعها منضماً للامان الوصله الی اللان السعوره فی الماء و ان مع ما هو علیه من شکره الامار
 المسیوم فی کثیر من المواضع الی یبدا ان یوزن فی سائر الاعراض موجوده له مما لها شرح جمع
 فیهم مناصره الیه و یجول فی امانه عوامه علیه التمزین جماعه من الساده الیلا و الیها
 الفصل احسن الله الی یوقیهم و یصل الی ارضهم و یقیمهم ان شرح المحکم المکرور شرحاً لشرح الی
 الی طلب و الاصل فی سائر اعمیر الکتاب فداقته عن ذلک مختاراً لکنه الاشارة الی العموم
 و تلمیحاً عنی فی هذه العلوم و بان شرح المتبیین الشریع عنه ارباب الفطانه و اولوا
 الالباب الی یقدر علیهم بناملهم الکتب المتوسطة الاطلاع علی مناصره هذا الکتاب
 فانها الکتاب موجباتاً للواقفه منضماً لال المناقشه و المناقشه فعلت هذا الشرح فی
 اننا اشعنا الی علم العلم من غیر مراجعه لقیح العانی و لامعا و ان لهدیه الی لفظ
 حاتم حافیه ما یجوز للموجبات علی ربها محمد بن علی علیها و قد مرها مع فیه من اصحابها
 و یقر قواعدها و یلمس قواعدها و یقر معانها و یستطیع معانها و یصلحها و یصلحها
 و یفسر علی من علیها ان فی صاحب الکتاب علی سبیل المناهله و یصلحها لکنه فی کل
 المراتب و الامامه و ان کنت مستغنیاً عن ذکره فی نوازل الی و یصلحها الی الا لشرطه
 فی تلویح الی و مره بجمیع الخیر فی المواضع المستغلظه اذ لکنه الکتاب معان
 فی اننا الی و اورد علی وجه تحقق شرح الفرس فی بعض ذلک الی و اورد علی جمیع
 ذلک شریحه زلحنا عن غیر من غیر من النعوتات المودعه الی الا شهاب و الا کار

از دیگر مشخصات

- محتوایی اثر می‌توان به مبحث تصور و تصدیق که مبنای منطق دو بخشی است، اشاره کرد.
- هر علمی یا تصور است یا تصدیق.
- اگر چه گفته‌اند این مبنا در آثار یونانیان بوده، اما طرح مدون آن را در آثار فارابی می‌بینیم.
۶. مشروطه عامه: قضیه‌ای است که نسبت در آن ضرورت دارد و این ضرورت به شرط وصف عنوانی موضوع است. ضرورت وصفی از آن حیث که مشروط به وصف است مشروطه نامیده می‌شود و از آن حیث که نسبت به ضرورت ذاتی لا بشرط است عامه نام دارد.
۷. مشروطه خاصه: قضیه‌ای است که نسبت در آن ضرورت دارد و این ضرورت به شرط وصف عنوانی موضوع است، اما ضرورت ذاتی در آن سلب شده است و به دلیل این که به شرط لا از ضرورت ذاتی است مشروطه خاصه نامیده شده است. مشروطه خاصه در واقع قضیه موجهه‌ای مرکب از ضرورت وصفی و عدم ضرورت ذاتی است.
۸. ضروریه وقتی: قضیه‌ای است که نسبت در آن در وقت معین ضرورت دارد.
۹. ضروریه منتشره: قضیه‌ای است که نسبت در آن در وقت نا معین (زمانی از زمان‌ها) ضرورت دارد.
۱۰. مطلقه یا فعلیه: قضیه‌ای است که بیان می‌کند نسبت در زمانی تحقق دارد و نسبت به ضرورت و دوام لا بشرط است.
۱۱. دائمه ذاتیه: قضیه‌ای است که بیان می‌کند نسبت دوام دارد و طرف مقابل آن در هیچ زمانی تحقق ندارد.
۱۲. عرفیه عامه: قضیه دائمه است به شرط وصف که نسبت به دوام ذاتی لا بشرط است.

انتساب رساله به ابن سینا

اگرچه اقسام قضایا در این رساله با آنچه ابن سینا در اشارات بیان کرده‌است تا حدودی همخوانی دارد، اما انتساب این اثر به ابن سینا از جهاتی قابل تردید است:

۱. ابن سینا ضروری وصفی، وقتی و منتشره را گونه‌هایی از قضیه وجودیه لازم‌الوجودیه می‌داند و نه اقسام مستقل^{۴۶}. اگرچه در اطلاق ضرورت از آنها سخن به میان می‌آورد.
 ۲. اصطلاح «عرفیه» و «مشروطه» به شهادت خواجه طوسی در شرح اشارات از نوآوری‌های فخر رازی است که مورد پسند متأخران قرار گرفته‌است^{۴۷} و در آثار ابن سینا این اصطلاحات را نمی‌یابیم. می‌توان گمان کرد که کسی از متأخران آنچه را شیخ در اشارات آورده‌است، به این صورت و با این اصطلاح به نظم آورده‌است.
- عنوان انواع القضا یا بسیار اعم است. طبقه بندی قضایا از حیث سور، سلب و ایجاب و سایر موارد نیز می‌تواند تحت عنوان انواع القضا یا قرار گیرد. عنوان دقیق‌تر برای این ابیات ضبط انواع قضایا از حیث اطلاق و جهت است. مگر آن که واژه نوع مشیر به منوعه باشد، که مترادف موجهه است.

منابع و مأخذ

۱. آل یاسین، جعفر، الفارابی فی حدوده و رسومه، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ ه ق.
۲. ابن سینا، الاشارات و التنبیهات، به کوشش محمود شهبایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۳. همو، دانشنامه علایی، دانشگاه بو علی سینا، با مقدمه و حواشی و تصحیح از دکتر محمد معین و سید محمد مشکوة، همدان، ۱۳۸۳ ش.
۴. همو، الشفاء المنطق، به کوشش ابراهیم مدکور، قاهره: دار الکتب العربی للطباعة و النشر، بی تا.
۵. همو، الشفاء (المنطق)، به تحقیق سعید زاید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ ق.
۶. همو، عیون الحکمة، تصحیح عبد الرحمن بدوی، قم: انتشارات بیدار، ۱۴۰۰ ق.
۷. همو، الفصیلة المزدوجة فی المنطق، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۵ ق.
۸. همو، مختصر الاوسط، کتابخانه ایاصوفیه استانبول، شماره دست نویس ۴۸۲۹.
۹. همو، منطق المشرفیین، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۵ ق.
۱۰. همو، الموجزة فی اصول المنطق، کتابخانه دانشگاه استانبول، دست نویس شماره ۴۷۵۵/۳.
۱۱. همو، نکت المنطق، مقدمه و تصحیح سید حسین موسویان، جاویدان خرد، فصلنامه تخصصی حکمت و فلسفه، سال ششم، دوره دوم، بهار ۱۳۸۸.
۱۲. همو، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، مقدمه و تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. همو، الهدایة، الدكتور محمد عبده، کلیة دارالعلوم، جامعة القاهرة، مکتبه القاهرة الحديثة، ۱۹۷۴ م.
۱۴. برخوردار، زینب، "نقد گزارش رش از آثار منطقی ابن سینا"، کتاب ماه فلسفه، سال سوم، شماره ۲۶، آبان ۱۳۸۸.
۱۵. همو، تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن سینا، پایان نامه دکتری، راهنما: دکتر نجفقلی حبیبی و دکتر احد فرامرزرقلکی، دانشکده الهیات، ۱۳۸۹.
۱۶. همو، حبیبی، نجفقلی، "گزارش تحلیلی از رساله تعالیق المنطق ابن سینا"، دو فصلنامه تخصصی حکمت سینوی (مشکوة النور)، سال ۱۲، پائیز و زمستان ۱۳۸۷، شماره ۴۰.
۱۷. طوسی، خواجه نصیر الدین، شرح الاشارات و التنبیهات مع المحاکمات، قم: نشر البلاغة، ۱۳۷۵ ش.
۱۸. الفارابی، ابونصر، المنطقیات للفارابی، تحقیق و مقدمه از محمد تقی دانش پژوه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۸ ق.
۱۹. فرامرزرقلکی، احد، تحلیل قضایا، پایان نامه دکتری، راهنما: دکتر ضیا موحد، دانشکده الهیات، ۱۳۷۳ ش.

در گزارش رش
از آثار منطقی ابن سینا
عنوان کتاب التعلیقات

به چشم می‌خورد
که چون هیچ مشخصات
دیگری از این اثر
ارائه نشده،
بعید نیست که
منظور وی
رساله تعالیق فی المنطق
باشد.

رش



۲۰. فرهادی، حسین، شکل چهارم قیاس اقترائی حملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، راهنما: دکتر احد فرامرز قراملکی، دانشکده الهیات، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. قنوتی، الاب جورج شحاته، مؤلفات ابن سینا، مقدمه للدكتور ابراهيم بك مدكور، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۵۰ م.
۲۲. کدیور، محسن، نوری، محمد، مأخذ شناسی علوم عقلی (منابع چاپی از ابتدا تا ۱۳۷۵)، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
۲۳. مهدوی، یحیی، فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ ش.
24. Rescher, Nicholas, *The development of Arabic logic*, Pittsburgh (University of Pittsburg, press 1964).

پی نوشت‌ها

۱. دکتری فلسفه و کلام دانشگاه تهران.
۲. الشفاء (منطق)، ص ۶۵.
۳. برای اطلاع از فهرست کامل آثار چاپ شده ابن سینا ر.ک: مأخذشناسی علوم عقلی.
۴. برای اطلاع از فهرست کامل آثار منطقی ابن سینا ر.ک: فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا" نقد گزارش رشر از آثار منطقی ابن سینا".
۵. برای اطلاع از مشخصات و متن کامل پنج اثر ر.ک: برخوردار، زینب، تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن سینا.
۶. مؤلفات ابن سینا، ص ۱۱۴.
۷. فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، ص ۲۲۱.
۸. اثر منظوم ابن سینا: قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق.
۹. القصيدة المزوجة، ش ۶۲-۶۳.
۱۰. نکت المنطق، ص ۱۵۵.
۱۱. همان، ص ۳.
۱۲. همان، ص ۶۶.
۱۳. مشخصات دست نویس این اثر در بخش منابع آمده است.
۱۴. شرح اشارات، ج ۱، ص ۱۶.
۱۵. مؤلفات ابن سینا، ۱۱۲؛ فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، ۵۳.
۱۶. المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۱۵۹؛ الفارابی فی حدوده و رسمه، صص ۱۵۱-۱۵۲.
۱۷. فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، ص ۲۱۹.
۱۸. مؤلفات ابن سینا؛ تطور منطق عربی.
۱۹. دانشنامه علایی، الشفاء، القصيدة المزوجة، المنطق الموجز، النجاة، الهدایة.
۲۰. الاشارات و التنبیها، منطق المشرقیین.
۲۱. تحلیل قضایا، صص ۳۸-۲۴.
۲۲. ص ۴۴.
۲۳. صص ۴-۵.
۲۴. برای تفصیل سخن در این مقام ر.ک: شکل چهارم قیاس اقترائی حملی.
۲۵. الاشارات و التنبیها، ص ۲۲.
۲۶. فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، ص ۳۸.
۲۷. ص ۱۰۸.
۲۸. ص ۱۵۰.
۲۹. تعقب الموضع الجدلی، عیون الحکمة.
۳۰. المنطقیات للفارابی، ج ۱، ص ۴۷۹.
۳۱. دانشنامه علایی، ص ۱۹؛ منطق المشرقیین، ص ۱۷؛ النجاة، ص ۱۶؛ الهدایة، ص ۶۶.
۳۲. ص ۵.
۳۳. فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا، ص ۵۱؛ مؤلفات ابن سینا، ص ۱۰۷.
۳۴. ص ۲۲.
۳۵. همان.
۳۶. شرح اشارات، ج ۱، ص ۱۴۸.
۳۷. همان، ۱۶۵.